

خردورزی در دین زردشتی*

دکتر ژاله آموزگار

در محفلی چنین ارزنده با انگیزه‌ای چنین والا، سخن گفتن سعادت است. چون کلام در جایگاه «مَنْتَرَه» می‌نشیند و باشد که ایزد ما نرسپند (یعنی ایزدکلام مقدس و فزاینده) یاری دهنده این گفتار باشد.

در تاریخ باورها و اندیشه‌های جهان بزرگانی هستند که آنان را نمی‌توان زاده روز و ماه و سال و جایگاه خاصی دانست. چون آنان به هزاره‌ها تعلق دارند و به پهنه جهان. اشوزرتشت یکی از آنهاست که چون آموزگاری از درون هزاره‌ها، در این مرز و بوم پهناوری که ایران نامیده می‌شود، برای آموختاری مردمان ظهور می‌کند. او هرگز خود را به برتری نمی‌ستاید. چه خوش است که نمایندگان گسترش فرهنگ جهان تصمیم گرفته‌اند که او را بستایند و سالی را به نام و اندیشه او اختصاص دهند. چه بهتر چون:

*. متن سخنرانی نگارنده در یادواره بزرگداشت سه هزار سال فرهنگ زردشتی است که در تاریخ بیستم آذرماه ۱۳۸۲ در تالار فردوسی دانشگاه تهران عرضه شد. (زبان، فرهنگ، اسطوره، تهران، ۱۳۸۶، صص ۲۱۹-۲۲۶).

خوش تر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

از میان اندیشه‌های این فرهنگی که در تاریخ تفکرات بشری از کهن‌ترین باورهایی است که در آن ستایش یک خدای بزرگ و خردمند در رأس ایزدان و تجلیات مقدس آن، اصل است و از این فرهنگ سترگی که هرگز نخواسته است خدای بزرگ و ایزدان زبردست او را در قالب تندیس‌ها جای دهد، چون این اندیشه‌های بزرگ در چهارچوب سنگی و مادی نمی‌گنجند. من فقط به یک جنبه آن اشاره می‌کنم و آن خرد و خردمندی است که اصل و شالوده این فرهنگ است، زیرا که آفریننده بزرگ آن خود خرد است و سرود دانایی است.

در همه باورهای جهان از دیرباز خرد ستوده شده است. نگاهی گذرا به داده‌های اساطیری فرهنگ‌های هم‌زمان و هم‌طراز، ما را به سوی ایزدان خرد آنها راهبری می‌کند. ولی تفاوتی آشکار است میان نماد خرد فرهنگ زردشتی در ایران باستان با ایزدان خرد سرزمین‌های دیگر.

در آن فرهنگ‌ها هم جایی ارزنده به خدایان خرد در مجموعه خدایان داده می‌شود ولی هرگز خدای بزرگ آنها خود خدای خرد نیست. در حالی که آموزگار فرهنگ باستانی ما، از میان نمادهای اخلاقی و اجتماعی و معنوی حاکم بر جامعه آن روزگاران، نماد خرد را برای خدای بزرگی که سربندگی او را در سردارد بر می‌گزیند و آفریدگار بزرگ خود را اهوره مزدا می‌نامد، یعنی سرور دانایی، فرزانه‌ای که همه آفریدگان را به نیروی دانایی و کاردانی خود می‌آفریند، نگاه می‌دارد و به انجام می‌رساند.

در اسطوره‌های کهن میان رودان یا بین‌النهرین، خدای خرد «اِئا» یا «آنکی» نامیده می‌شود که بر آبها سروری دارد. ولی سومین خدا از گروه خدایان سه گانه مهم و نخستین بین‌النهرینی است، یعنی مقام او پس از «آنو» که خدای آسمان و پدر خدایان است و پس از انلیل که خدای جو و زمین است قرار می‌گیرد^(۱) و «اِئا» خدای بزرگ آفریده آنو تلقی می‌گردد.

و بعدتر چون مردوک می‌خواهد انسان را برای خدمت‌گزاری به خدایان بیافریند و از خون و استخوان خود قالب او را می‌ریزد، «اِئا» خداوند خرد فقط مورد مشورت او قرار می‌گیرد^(۲) اگرچه این مسئله پیوندی را میان او و آدمیان به وجود می‌آورد ولی هنگامی که خدایان بر آدمیان خشم می‌گیرند و تصمیم می‌گیرند طوفان نازل کند، او قدرت ندارد که آنان را از این تصمیم باز دارد، تنها کاری که می‌تواند انجام دهد این است که او تناپیش تیم (نوح بابلی) را از این امر آگاه سازد و به ساختن کشتی وا دارد.^(۳)

خدای خرد در اسطوره‌های مصر باستان «توت»^(۴) نامیده می‌شود او هم خدای ارزنده‌ای است ولی نه در حد «هوروس» یا «آمون» یا «رع» خدایان بزرگ مصری.^(۵) او که تنی چون انسان و سری هم چون لک‌لک دارد،^(۶) در موارد بسیاری به یاری خدایان بزرگ می‌شتابد، مورد مشورت آنان قرار می‌گیرد^(۷) ولی به مقام اعلای آنها صعود نمی‌کند و کار عمده او در بارگاه زیرزمینی «اوزیریس» ثبت اعمال درگذشتگان است.

در اساطیر یونان دو ایزد بانویی که نهاد خردند یعنی «میتیس» و «آتئا» در زیر قدرت زئوس خدای خدایان قرار دارند. «میتیس» همسر «زئوس» است و زمانی که باردار «آتئا» است، «زئوس» بر اثر تفتین دیگر خدایان او را می‌بلعد

که مبادا از نیروی عقل او و فرزندندی که در درون دارد خدای خدایانی او صدمه‌ای ببیند. پس از این ماجرا «آتنا» از پیشانی «ژئوس» زاده می‌شود و نماد خرد یونان می‌گردد.^(۸)

«آتنا» ایزدبانوی محبوب خدایان است ولی در میان خویش کاری‌های این ایزدبانو، جنگاوری نیز هست و نظارت بر حرفه و مهارت‌های گوناگون نیز جزء صفات اوست، ولی این خدای بخرد، در مواردی چنان نابخردی می‌کند که شگفت‌آور است.

به او می‌گویند دختر جوانی به نام «آراکنه» در لیدیا بهتر از او تور می‌بافد. آتنا سر وقت او می‌رود و چون طرح بافته شده او را بسیار زیبا و بی‌عیب می‌یابد، خشمگین می‌شود و از شدت خشم این دختر جوان را به شکل عنکبوتی درمی‌آورد تا از آن پس همیشه مشغول تار تنیدن باشد.^(۹)

مورد دیگری از نابخردی این خدای خردمند کینه‌توزی به «پاریس» قهرمان معروف «تروا» است. بنابر این داستان «ایلیاد» یک مسابقه زیبایی دربالای کوی «ایدا» میان سه ایزدبانو «هرا» همسر خدای خدایان، «آتنا» ایزدبانوی خرد و «آفردویت» ایزدبانوی عشق و زیبایی برگزار می‌شود. داور «پاریس» است که «آفردویت» را به عنوان زیباترین برمی‌گزیند. این گزینش چنان کینه‌ای در دل این خدای خرد به وجود می‌آورد که باعث می‌شود «آتنا» تمام نیروی خود را برای در هم شکستن «تروا» سرزمین «پاریس» در جنگ با یونان به کار برد.^(۱۰)

در اندیشه‌های هند دوران ودایی، ایزد خرد آسورایی بی‌نام است که ناشناخته باقی می‌ماند و در چرخش اعتقادی هندوان، توجه به او به تدریج از مراسم و آیین نیایش‌ها حذف و سرانجام به دست فراموشی سپرده می‌شود.^(۱۱)

با این مقایسه‌هاست که اهمیت خرد، در اندیشه زردشتی نمود بیشتری پیدا می‌کند چون خرد در اینجا نقش اصلی و محوری دارد و با وجود آفریدگار بزرگ یکی است.

کل آفرینش جهان، از ابتدا تا پایان با خرد رهبری می‌شود. در جای جای گاهان که بیشتر از دیگر بخش‌های اوستا، به اندیشه‌های خود زردشت نزدیک است، بیش از همه شاهد تأثیر خرد در همه جوانب زیستی هستیم و مباحث مربوط به خردی که در این بخش که شاید یک دهم کل اوستای موجود باشد مطرح شده است، تقریباً برابر با مطالب مربوط به این موضوع در دیگر بخش‌های اوستاست.

در گاهان آمده است که اهوره مزدا با خرد خویش «اشه» را آفرید تا بهترین منش را پشتیبان و نگاهبان باشد.^(۱۲)

اهوره مزدا از منش خویش به آدمیان خرد می‌بخشد.^(۱۳)

در بخشی از گاهان زردشت از اهورامزدا می‌خواهد که او را چنان بی‌گاهاند تا همه را به خرد رهنمون باشد.^(۱۴)

او از اهوره مزدا می‌خواهد که به مردمان دیگر نیز این توانایی را ببخشد که آموزش خرد را پیش برند.^(۱۵)

در هرمزدیشت، اهوره مزدا ضمن صفات بی‌شماری که برای خود برمی‌شمارد چنین می‌گوید:^(۱۶)

منم سرچشمه دانش و آگاهی ... منم خرد ... منم خردمند

منم دانایی، منم دانا.

در اسطوره آفرینش، در آنجا که دنیای روشن و زیبا و پر از راستی و خرد

اهوره‌مزدای از همه چیز آگاه در برابر دنیای زشت و پر از بدی اهریمن بدآگاه قرار می‌گیرد، توانایی دادار بزرگ برای از میان بردن اهریمن فقط خرد اوست. او برای اینکه از جاودانه شدن شر جلوگیری کند، برای نابودی اهریمن در طی زمان، با خرد هروسپ آگاه (خرد از همه چیز آگاه) خود طرحی می‌ریزد و با فرستادن بارقه‌هایی از نور، اهریمن را به نبردی دراز مدت می‌کشاند،^(۱۷) زیرا نابودی اهریمن در آن هنگام امکان‌پذیر نیست. ولی اهوره‌مزدا سلاحي دارد که اهریمن فاقد آن است و آن خرد اوست.

اهوره‌مزدا می‌داند که نیروی اهریمن باید به کار گرفته شود تا فرسوده شود و به نابودی همیشگی بدی کشانده شود.

با همین خرد است که اهوره‌مزدا جهان مادی را می‌آفریند، پیش نمونه‌ها را برای مقابله با شرّ ناشی از اهریمن به وجود می‌آورد.

در هر حمله ناآگاهانه اهریمن، اهوره‌مزدا خردمندانه راه حلی در پیش دارد و اهریمن را که جز نابود کردن و در هم شکستن کاری از او بر نمی‌آید، پس از اَبَگَد (یعنی حمله اهریمنی) او را چنان زندانی زندگی می‌کند که برای او چاره‌ای جز به میان آوردن و سودن نیروهایش نمی‌ماند.^(۱۸)

در پایان جهان که همه نیروهای اهریمنی یک به یک به دست هم‌آوردان ایزدی خود نابود خواهند شد، راهکار خردمندانه اهوره‌مزدا به شکوفایی خواهد رسید. این پیروزی اهوره‌مزدا تنها در سایه دانش اوست.

این سرور دانایی چون می‌خواهد بر نخستین جفت بشر جان بخشد، از روان همه آگاه خود در آنان می‌دمد و به آنان القاء می‌کند که آنها را از خرد سلیم خویش آفریده است و آنان را بیش از همه به پیروی از خرد و راستی فرمان

می دهد.^(۱۹)

این نخستین زوج تا زمانی که در راه خرد و فرزاندگی اهورایی هستند نیک‌بختند، ولی نخستین گناه آنان نادان شدن آنان است. زمانی که به فریبکاری اهریمن، به نادانی، آفرینش را به دیوان نسبت می‌دهند، شوربختی آنان را فرامی‌گیرد و رستگار نمی‌شوند مگر زمانی که دوباره سر در راه خرد گذارند و از نادانی مطلق رهایی یابند و از کم‌خردی و ندانستن توبه کنند.

در این فرهنگ دانش انسان هم‌پای رستگاری اوست نه همچون اساطیر یونان که چون «پرومته» آتش را که به تعبیری اسرار دانایی را در درون دارد، به میان مردم می‌برد، مورد خشم ویرانگرانه زئوس، خدای خدایان قرار می‌گیرد.^(۲۰) بنا به نوشته‌های مینوی خرد که مجموعه‌ای از پرسش‌ها میان دانا و مینوی خرد یعنی نماد آن جهانی دانش و فرزاندگی است، آمده است که از مینوی خرد پرسیده می‌شود که چرا دانش و کاردانی در مینو و در گیتی به مینوی خرد وابسته است؟ پاسخ این است: خرد غریزی یا «آسن خرد» از نخستین دم آفرینش با اورمزد بوده است.^(۲۱)

در همین کتاب آمده است که روان پارسایان با خرد به بهشت و روشنی‌های بی‌پایان می‌رسد و از دوزخ به نیروی خرد می‌توان رهایی یافت.^(۲۲) هر که از خرد بهره بیشتر دارد بهره‌اش از بهشت بیشتر است.^(۲۳) بهشتیان را بهشتی بودن به دلیل بهره‌وری از خرد و دوزخیان را دوزخی بودن به دلیل کم‌خردی است.

استقرار زمین، آمیزش آب در زمین، رویش و نمو گیاهان و رنگ‌های گوناگون، بو و مزه خوشی که در هر چیزی است، به خرد مقدر و ساخته شده‌اند.

برپایی البرز پیرامون جهان، پیدایش هفت کشور، حرکت خورشید و ماه و دوازده اختران، گذرگاه چینود نیز با نیروی خرد و دانایی ساخته و مقدر شده است.

از نیروی خرد می‌توان دانست که ابر آبگینه‌وار آب را از دریا می‌گیرد و در فضا می‌راند و به پیمان، سرشک به زمین می‌بیزد.^(۲۴)

سوشیانس و کیخسرو رستاخیز را با نیروی خرد به فرجام می‌رسانند.^(۲۵) در این نوشته‌ها از دو نوع خرد سخن به میان آمده است. خرد غریزی یا آسن خرد و خرد اکتسابی یا گوش سرود خرد. اهوره‌مزدا خود سراسر آسن خرد یا خرد غریزی است.

نوع دیگری از خرد، خرد همه آگاه یا خرد مینوی است که باز اهوره‌مزدا نماد آن است.^(۲۶)

گونه‌ای از آن، خردِ این جهانی است که محدود است و همان دانش مردمی است.^(۲۷) در فرشگرد (پایان جهان) مردمان نیز خرد مینوی خواهند یافت.^(۲۸)

در مقابل این خرد مینوی و دانش مردمی نوع دیگری از خرد نیز وجود دارد و آن دوش خردی یعنی بدخردی است و آن عبارت است از بهره‌گیری از نیروی خرد در جهت منفی و برای رسیدن به مقاصد اهریمنی است.

اهریمن «دوش خردی» دارد و از دوش خردی برای مقابله با نیروهای اهورایی استفاده می‌کند.

حتی در گاهان به این گونه خرد یعنی دوش خردی اهریمن اشاره شده است و همچنین آمده است که دوش خردی را در آموزگاران بدی نیز می‌توان دید که با آموزش نادرست خود، سخن ایزد را برمی‌گردانند و آن را در فرمانروایان

بدنیز می‌توان دید که با آن بر سرزمین‌ها فرمان می‌رانند.^(۲۹)

دوش‌خردی، خردی است که از نیکی عاری است.^(۳۰) دوش‌خردی با بی‌خردی تفاوت دارد. در زادسپرم آمده است که از دوش دانایی که نامش از دوش آگاهی است، بیشتر مردم گناهکار باشند و دوزخی.^(۳۱)

گونه‌ای دیگر از خرد پیش‌خردی است. که حس پیش‌بینی امور آینده را دربردارد و آن خرد و دانشی است که در وجود اهوره‌مزدا هست. مقابل آن پس‌دانشی است که آگاه شدن از موضوعی، پس از وقوع آن است. در بندهشن آمده است که اهریمن در تاریکی به پس‌دانشی بود... و به سبب پس‌دانشی، از هستی اهوره‌مزدا آگاه نبود.^(۳۲)

گفتار را با بخش‌هایی از اندرز بهزاد فرح پیروز که از دین مردان اواخر دوره ساسانی یا اوایل دوره اسلامی بوده است به پایان می‌برم.^(۳۳)

که من آزموده‌ام خرد بهترین است.

پُر خرد را همیشه آسایش است. بی‌خرد همیشه به رنج است. دو کس‌اند که آنان را از کردار خویش آسایش است: یکی گزیدار خرد از خردی که او راست و یکی بی‌خرد از آگاهی که در او نیست.

هر که را خرد است هنر نیز هست. هر که را خرد است خواسته نیز هست. بُن هر کار نیک به خرد است.

خرد نگاهدار و نگاهبان تن

خرد رهایی بخش و فریادرس تن

در توانگری خرد بهتر

در کم‌چیزی خرد نگاهدار تر

اینجا برای یاری خرد بهتر

آنجا برای پشتیبانی خرد نگهدارتر

امیدوارم که خداوند خرد بر مردمان این سرزمین، خرد فراوان ارزانی دارد.

یادداشت‌ها:

۱. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، چاپ سوم، ۱۳۵۴، ص ۴۵ و ۴۶؛ ژورژرو، بین‌النهرین باستان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۸۹-۹۰، همچنین: Jean Bottero, Mesopotamie, ed Gallimard, 1987, p. 280-281, J.Nougayrol, J.MAynard; La Mesopotamie, Bloud et Gay, 1965, p. 38-39.
۲. جان ناس، ص ۴۸؛ ساموئل هنری هوک، اساطیر خاورمیانه، انتشارات روشنگران، سال ۱۳۷۲، ص ۵۹.
۳. جان ناس، ص ۴۹؛ هوگ، ص ۶۲ و ۶۳؛ هنریتامگ کال، اسطوره‌های بین‌النهرین، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۷۳، ص ۶۵، ژورژ رد، ص ۱۰۶.
4. Uhoth/Thot.
5. A. Mekhitarian, L.Egypte, Blaud, et Gary/1964/p. 31-33.
۶. جان ناس، ص ۴۳.
۷. پ جرح هارت، اسطوره‌های مصری، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۷۴، ص ۵۱.
8. P. Commelin, Mythologie grecque et momaine, france, Loisirs, 1960, p. 2q.
9. E.,Hamilton, La mythologie. Marahout, 1978, p. 360.
10. Ibid. p. 213, 214, 231.
۱۱. مری بویس، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴، ص ۵۸-۶۰.
۱۲. گاهان، فصل ۳۱، بند ۷، پورداود، گاتاها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۹۰.
۱۳. گاهان، فصل ۳۱، بند ۳۱، پورداود، همان، ص ۹۲.
۱۴. گاهان، فصل ۵۰، بند ۶، پورداود، همان، ص ۱۹۲.
۱۵. گاهان، فصل ۳۴، بند ۱۴، پورداود، همان، ص ۱۲۶.
۱۶. یشت اول (هرمزیششت)، بندهای ۷ و ۸، پورداود، یشت‌ها، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۱.
۱۷. مهرداد بهار ترجمه بندهشن، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۹، ص ۳۳ تا ۳۸.

۱۸. ژاله آموزگار، تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، ص ۴۲ تا ۴۹.
۱۹. ترجمه بندهش، ص ۸۱.
20. Hamilton, p. 76-77.
۲۱. مینوی خرد، فصل ۵۶، بندهای ۱ تا ۶، احمد تفضلی، ترجمه مینوی خرد، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ص ۶۴-۶۵.
۲۲. مینوی خرد، فصل ۵۶، بندهای ۸ تا ۱۰، ترجمه همان جا.
۲۳. مینوی خرد، همان فصل، بند ۱۹، ترجمه همان جا.
۲۴. مینوی خرد، همان فصل، بندهای ۱۲ الی ۱۴، ترجمه همان جا.
۲۵. مینوی خرد، همان فصل، بند ۷، ترجمه همان جا.
۲۶. ویسپرد، کرده نوزدهم، بند ۱، پوردادود، ویسپرد، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ص ۶۵.
۲۷. مینوی خرد، فصل ۱۲، بندهای ۱ تا ۷، ترجمه تفضلی، ص ۳۴.
۲۸. گزیده‌های زادسپرم، فصل ۳۵، بند ۱۸، محمدتقی‌راشد محصل، ترجمه گزیده‌های زادسپرم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶.
۲۹. گاهان، فصل ۳۲، بند ۹ و ۱۴، فصل ۴۸، بند ۱۰، فصل ۴۹، بند ۴، پوردادود، گاتاها، صفحات ۱۷۸ و ۱۰۶ و ۱۰۴، و ۱۸۲.
۳۰. مینوی خرد، فصل ۱۰، بند ۴، ترجمه تفضلی، ص ۳۳.
۳۱. گزیده‌های زادسپرم، فصل ۳۰، بند ۳۹، ترجمه راشد محصل، ص ۴۸-۴۹.
۳۲. بندهشن، ترجمه بهار، ص ۳۲.
۳۳. احمد تفضلی، اندرز بهزاد فرخ پیروز، هفتاد مقاله، ارمان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، گردآورندگان: یحیی مهدوی، ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۱، ص ۵۴۲-۵۳۷.